

آب در مثل‌های مردم کاشان

محسن نیازی^۱

چکیده

در این مقاله پدیده آب در فرهنگ عامیانه مردم مورد مطالعه قرار گرفته است. آب به‌عنوان سرچشمه حیات جانداران به‌ویژه آدمیان است و بدون آن حیات میسر نمی‌گردد. در فرهنگ دینی نیز آب پدیده‌ای مقدس و مایه‌ی حیات برشمرده شده است. پدیدار شدن چشمه آب در دل کویر از معجزات حضرت موسی (ع) است. در قرآن مجید، خداوند متعال منشاء تمام حیات را آب معرفی فرموده است. همچنین پدیده آب و نحوه توزیع آن از عناصر اساسی در فرهنگ جوامع انسانی و به‌ویژه در جامعه ایران بوده است. مطالعه وضعیت و جایگاه آب در فرهنگ عمومی مردم و مثل‌های مردم کاشان هدف اصلی این مطالعه است. با بررسی مثل‌های مناطق کاشان در ارتباط با پدیده آب درمی‌یابیم مفهوم آب در مثل‌های بسیاری به‌کار رفته است.

کلیدواژه‌ها: آب، کاشان، فرهنگ عمومی، ویژگی‌های شخصیتی، مثل‌ها

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان Niazim@kashanu.ac.ir

مقدمه

شهر کاشان از شهرهای بسیار قدیمی و در نقطه مرکزی ایران قرار دارد. قدمت تاریخی این شهر به هفت هزار سال پیش برمی گردد. از نظر تاریخی، طبق حفاری‌هایی که در سال‌های ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ در تپه‌های سیلک کاشان صورت گرفته است، آثار به دست آمده حاکی است که در حدود هفت هزار سال پیش از این، مردمی در این ناحیه از چادرنشینی به کشاورزی و شهرنشینی رسیده‌اند. بر این مبنای این ناحیه از نخستین مراکز تمدن و سکناي بشر ماقبل تاریخ شناخته شده است. رمان گیرشمن، باستان شناس معروف فرانسوی که کاوش‌های خود را در سال ۱۳۱۱ در منطقه سیلک کاشان آغاز نمود، معتقد است «قدیمی‌ترین محل سکونت بشری که در دشت شناخته شده است، سیلک نزدیک کاشان است». (گیرشمن، ۱۳۴۹: ۲۹) همچنین ژرژ لاسال در مقدمه کتاب گیرشمن تحت عنوان هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، معتقد است «سیلک مربوط به اواخر هزاره دوم پیش از میلاد یا هزاره اول می‌باشد و آن زمانی است که اقوام آریایی روی فلات ظاهر می‌شدند. (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۱۴)

منطقه کاشان دارای قدمت چندین هزار ساله به عنوان نقطه مرکزی ایران و از شهرهای تاریخی است که دارای تاریخی درخشان و فرهنگی غنی می‌باشد. مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی حاکی از این امر است که در چند هزار سال قبل از ظهور اسلام، اقوامی ناحیه فین کاشان را مسکن خویش قرار داده و در اطراف چشمه‌های آن آبادی‌هایی پدید آوردند. (نراقی، ۱۳۶۹: ۵۷) تحقیقات باستان‌شناسی اخیر نیز نشان داده است «انسان عهد حجر که تازه از کوه پایین آمده و در دشت سکونت کرده بود بر روی مسیر کمانی شکل اطراف کویر نمک استقرار یافته است و از طرف دیگر شهر باستانی سیلک هم که در حوادث طبیعی و تحولات اجتماعی هفت هزار ساله گذشته، چندین بار ویران و زیر و رو شده است، از برکت چشمه سلیمانی فین دوباره معمور و آباد گشته است. (هاشمی تباربیدگلی، ۱۳۷۵: ۳)

علاوه بر آن، مورخین در دوره‌های مختلف از کاشان به عنوان شهری تاریخی و فرهنگی که دارای شهرت بسیار بوده است، نام برده‌اند. «ابن حوقل» جغرافی‌دان و سیاح قرن چهارم هجری، کاشان را از شهرهای بزرگ و پربرکت در آن دوران دانسته

است. (ابن حوقل، بی تا: ۱۰۴) یاقوت حموی در اثر مشهور خود معجم‌البلدان، کاشان را از مراکز شیعه امامیه نام برده است.

نخستین مأخذ معتبری که آثار و ابنیه عمومی کاشان را با ذکر شماره و تعداد معین ضبط و ارایه نموده است، سیاحتنامه شاردن فرانسوی است. از نظر او، شهر کاشان از قدیمی‌ترین مراکز صنایع دستی فلات ایران بوده است. (شاردن، ۱۳۳۶: ۸۶) همچنین کنت گوینو در سفرنامه خود «این شهر را از بزرگترین مراکز صنعتی ایران» دانسته است. (به نقل از شاردن، ۱۳۷۵: ۱۹۰۹)

در مطالعه سیر تاریخی صنایع کاشان، دو نوع صنعت دستی قابل ذکر است «یکی صنایع دستی باستانی مانند سفال‌سازی، بافندگی، مسگری و فلزکاری که در تمامی ادوار ادامه داشته است، و دیگری صنایع دستی از قبیل منسوجات ابریشمی، زرباف و رنگرزی است (نیازی، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۳۹) که در این میان، صنعت قالی‌بافی و صنایع وابسته به آن مایه شهرت شهرستان کاشان می‌باشد.

در مورد پدیده آب که موضوع اصلی این مطالعه است باید گفت آب مایعی است که حیات بدون آن میسر نیست. بشر در دوره نو سنگی سعی در مهار آب داشته است و بر روی الواحی که از ۴ هزار سال قبل از میلاد از سومری‌ها باقی مانده است سنگ نوشته‌هایی با این مضمون موجود است. در دین یهود اشاره شده است که حضرت موسی در ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح با عصای سحرآمیز خود چشمه‌ای در دل کویر پدید آورد.

بر اساس آخرین مطالعات زمین‌شناسی، تا کنون ۵ میلیارد سال از عمر زمین می‌گذرد و شواهد نشان می‌دهد که آب از همان ابتدای تشکیل کره زمین نقش مهمی در تحول و قابل سکونت کردن آن به عنوان تنها سیاره قابل زیست داشته است. با تشکیل اقیانوس‌ها و دریاها و تشکیل بخار از روی آنها و ایجاد ابر و بارندگی و به‌طور کلی گردش آب در طبیعت و جاری شدن آب در رودخانه‌ها و بازگشت مجدد آن به طرق مختلف به اقیانوس‌ها، ابتدا زندگی اولیه با گیاهان و جانداران پست آغاز شد و سپس گیاهان و حیوانات عالی به‌وجود آمدند. (www.hupaa.2007:1)

ایران با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی که در بین مدار ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض

شمالی و ۴۴ تا ۶۴ درجه طول شرقی واقع شده است از مناطق خشک جهان به شمار می‌رود، زیرا میزان متوسط بارندگی سالانه آن کمتر از یک سوم متوسط بارندگی کره زمین (۸۶۰) می‌باشد. این مقدار بارندگی هم در سطح کشور به‌طور یکنواخت توزیع نشده است.

مک لویی اظهار می‌کند که ایرانیان نخستین مردمی بودند که با ساختن چرخ آبی، آب رودخانه‌ها را به زمین‌های زراعی پایین‌تر و بالاتر منتقل می‌کردند. اهمیت آب در ایران باستان آنچنان زیاد بود که برخی رودخانه‌ها با نام رودخانه‌های شاهنشاهی شناخته می‌شد. در کتب و آثار به‌جا مانده از دانشمندان قدیمی ایران به‌طور مفصل به اهمیت آب پرداخته شده است. خواجه نظام‌الملک در کتاب سیاست نامه خود موضوع توزیع عادلانه آب را امری حیاتی بر می‌شمرد و عدول از آن را باعث تباهی مملکت می‌داند. آب از چنان اهمیتی در جوامع انسانی برخوردار است که اولین تمدن‌های بشری در کنار رودها تشکیل شده‌اند.

در زبان فارسی اهمیت آب در وجود کلماتی همچون آبدی که نیازمند آب است، تبلور یافته و این کلمه با آب شروع می‌شود، یا کلمه بیابان که نبود آب سبب متروک بودن آن شده است. بنابراین برای ایرانیان اهمیت آب به لحاظ دینی و به جهت فرهنگ عمیق، دارای ارزش بالایی است.

نظری به هر یک از مراسم جشن نوروز، نشان دهنده نقش بارز و حیاتی آب است. در فرهنگ دهخدا آمده است: روزی که جمشید به تخت نشست خاصان خود را طلبید و رسم‌های نیک گذاشت و گفت: خدای متعال شما را خلق کرده است و باید به آب-های پاکیزه تن شوئید و غسل کنید و به سجده و شکر او مشغول باشید و هر سال در این روز به همین دستور عمل نمایید (دهخدا، ۱۳۷۳: مدخل نوروز)

ایرانیان پاک نهاد برای مردگان خود نیز با آب یاد می‌کنند و همه ساله قبل از پایان سال بر مزار عزیزان خود می‌روند و بر تربت خفتگان خاک، آب می‌پاشند و با گل و سبزه مراتب مهر و دوستی خود را یادآور می‌شوند. باز هم در خصوص آیین‌های فرخنده نوروز آمده است: «در هر نوروز برای پادشاه با کوزه‌ای آهنین یا سیمین آب برداشته می‌شد. در گردن این کوزه قلاده‌ای قرار می‌دادند که از یاقوت‌های سبز که در

زنجیره‌ی زرین کشیده و بر آن مهره‌های زبرجدین کشیده بودند. این آب را دختران دوشیزه از زیر آسیاب‌ها برمی‌داشتند». همچنین در این آیین آمده است در ایام نوروز نواهایی در خدمت پادشاه نواخته می‌شد که مختص همان روز بود و در بامداد نوروز مردم به یکدیگر آب می‌پاشیدند و این رسم در قرن‌های نخستین اسلامی نیز رواج داشته است.

پدیده آب در ادیان مختلف آسمانی به‌ویژه دین مبین اسلام از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. در اسلام اهمیت آب چنان است که خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: «و جعلنا من الماء کل شیء حی» (انبیاء، آیه ۳۰) خداوند منشأ تمام حیات را آب معرفی نموده و می‌فرماید و از آب هر چیز را زنده گردانیدیم. «اوست خدایی که آب را از آسمان فرو فرستاد که از آن بیاشامید و درختان پرورش دهید تا از میوه آن بهره‌مند شوید و با برگ آن حیوانات خود را بچرانید».

خداوند در سوره انعام می‌فرماید «و هو الذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء فاخرجنا منه خضراً نخرج منه حباً متراكباً...» (انعام، آیه ۹۹) همچنین در سوره نمل می‌فرماید «امن خلق السماوات و الارض و انزل لکم من السماء ماءً فانبتنا به حدائق ذات بهجه...» (نمل، آیه ۵۹) آیا آن کیست که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده و از آسمان برای شما باران می‌فرستد تا آن درختان و باغ و بستان‌های شما را در کمال سبزی و خرمی می‌رویانیم. خداوند در سوره فاطر می‌فرماید «آلم تر ان الله انزل من السماء ماءً فاخرجنا به ثمرات مختلفاً الوانها» (فاطر، آیه ۲۷) یعنی آیا ندیدی که خدا باران را از آسمان فرود آورد و با آن انواع میوه‌های گوناگون رنگارنگ پدید آورد.

بدون شک منافع آب تنها نوشیدن انسان و رویدن درختان و گیاهان نیست. خداوند در سوره هود می‌فرماید: «و او خدایی است که آسمان و زمین را در فاصله شش روز آفرید و عرش با عظمت او بر آب قرار یافت» (هود، آیه ۶) در آیه‌های یاد شده خداوند تبارک و تعالی ضمن بیان فواید آب، ارزش والا و اهمیت آب را برای انسان نمایان می‌سازد».

مباحث

در این مطالعه مفهوم آب در فرهنگ عامیانه مردم کاشان با بررسی مثل‌های عامیانه در ارتباط با آب مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. در این ارتباط، نمودهای مفهوم آب در بین مردم منطقه کاشان که در قالب دهها مثل در فرهنگ عامه مردم این منطقه وجود داشته، بررسی شده است. بدین صورت هدف اصلی این مقاله، مطالعه نمودها و در واقع جایگاه پدیده آب در فرهنگ عمومی مردم به ویژه در مثل‌های مردم کاشان می‌باشد. آب در فرهنگ عمومی یا مثل‌های عامیانه مردم به معانی متفاوتی به کار رفته و دارای مضامین مختلف و متفاوتی می‌باشد. در فرهنگ عمومی منطقه کاشان مانند بسیاری از مناطق ایران هرگاه فردی از افراد خانواده قصد سفر داشته باشد مرسوم است که پشت سر مسافر به نشانه میمنت و امید به بازگشت با سلامت، آب می‌ریزند. با بررسی مثل‌های مردم منطقه کاشان در ارتباط با پدیده آب، یعنی ضرب‌المثل‌هایی که در آنها واژه آب به کار رفته است، در می‌یابیم به طور کلی ضرب‌المثل‌های مربوط به آب در موارد توصیف ویژگی‌های شخصیتی برخی افراد، توصیف ارزش کار یا چیزی، توصیف نوع خاصی از وقایع و اتفاقات، نفرین‌ها و موارد متفاوت دیگری به کار رفته است. در ذیل به ارایه و توصیف ضرب‌المثل‌های مربوط به هر یک از موارد فوق پرداخته می‌شود.

الف) توصیف ویژگی‌های شخصیتی برخی افراد

برخی از ضرب‌المثل‌های مردم در مورد آب در توصیف ویژگی‌های شخصیتی افراد خاصی به کار رفته است. در ذیل مثل‌های مربوط به این مورد ارایه می‌گردد.

آب ببینه شناگر خویبه: این ضرب‌المثل در مواردی به کار می‌رود که فرد به ظاهر آرام و متخلق به اخلاق است، اما دیگری در مورد او فکر می‌کند که آن فرد چون آب نیست آرام است و چنانچه فرصتی پیدا کند فوراً استفاده می‌کند. در مجموع فرد دارای شخصیتی است که در حالت عادی فردی آرام و دارای اخلاقی خوب است، اما چنانچه فرصت پیدا کند، خیلی زرنگ شده و جور دیگری عمل می‌کند.

آب زیر کاس یا آب زیر کاه است: این ضرب‌المثل هم تا حدودی مشابه مفهوم ضرب‌المثل فوق است، یعنی به ظاهر بسیار آرام و خوب است، اما در باطن فردی زیرک و شلوغ می‌باشد.

از آب کره می‌گیره: یعنی فرد آنقدر زرنگ است که از آب که پدیده‌ای از نظر ظاهر بی‌قیمت است، کره و چیز با ارزش و قیمتی می‌سازد. یعنی فرد بسیار زرنگ و زیرک است.

جای نمی‌خواهه که آب از زیرش رد شه: به تعبیر عامیانه یعنی اینکه فرد حواسش جمع است، کسی نمی‌تواند سر او کلاه بگذارد، نمی‌گذارد سرش کلاه برود و ضرر کند.

زیر آبی میره: یعنی فلانی فرد زیرکی است، یواشکی کاری را انجام می‌دهد، زیرآبی کار نکن یعنی مخفیانه کاری را انجام نده و رو راست باش.

آب رو زمین سفت ب نمی‌شه: آب روی زمین سفت بند نمی‌شود، همچنانکه زمین سفت نفوذناپذیر است، فلانی آدم محکم و نفوذناپذیری است و یا تعصب دارد و تغییری نمی‌کند و حرف یا نصیحت شما در او تأثیری ندارد.

از آب گل آلود مای می‌گیره: از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرد، یعنی کسی که از فرصت‌ها خوب بلد است استفاده کند، فردی که شلوغ می‌کند، فضا را شلوغ ساخته و یا بین افراد اختلاف می‌اندازد و در این بین خودش استفاده‌اش را می‌برد.

دس گل آب داده: دسته گل آب می‌دهد، یعنی کار را خراب کرده است، فلانی همیشه دسته گل آب می‌دهد یعنی آدم دست و پا چلفتی و تنبل یا کودن است و کار را خراب می‌کند.

آب از دستش نمی‌چکد: یعنی فلانی بسیار خسیس است، آنقدر خسیس است که آب که پدیده‌ای به ظاهر بی‌قیمت و مقدار است نیز از دست او رها نمی‌شود.

جانماز آب می‌کشه: به کسی که ریاکاری می‌کند و به ظاهر خود و کار خودش را بسیار خوب جلوه می‌دهد، گفته می‌شود.

پتش رو آب افتید: پته‌اش روی آب افتاد، یعنی فلانی لو رفت و کارش بر ملا شد، به کسی که کار ناپسندی انجام می‌دهد و مردم نمی‌دانستند و حالا کار ناپسندش بر ملا

شده است گفته می‌شود. یعنی آدم بدجنسی بود و حالا لو رفت. می‌خواد از آب بگذره پاشم خیس نشه: می‌خواهد از آب بگذرد، اما پایش هم تر یا خیس نشود. به کسی که مخفی کاری می‌کند و می‌خواهد کاری را پنهانی و مخفیانه انجام دهد که دیگران نفهمند یا سود زیادی ببرد، اما هیچگونه تلاشی نداشته باشد. آب از لک و لوچه‌اش سرازیره: دهانش آب افتاد، به کسی که یکباره دنبال منفعت، سود یا لذت خاصی می‌گردد و زمانی که به آن نزدیک می‌شود خیلی خوشحالی می‌کند.

از ای آب گرم نمی‌شه: از فلانی یا این فرد آبی گرم نمی‌شود، یعنی برای کسی کاری انجام نمی‌دهد، نباید به حمایت فلانی یا اینکه کاری برای شما انجام بدهد امید داشته باشید، چون کاری برای کسی انجام نمی‌دهد.

آب تو دلش تکو نمی‌خوره: آب توی دلش تکان نمی‌خورد، یعنی فرد بی‌تفاوتی است، نترس است و از چیز خاص یا اتفاق خاصی برآشفته نمی‌شود و نمی‌هراسد یا توجه خاصی ندارد.

دنیا رو آب بیره فلانی رو خواب می‌بره: یعنی فلان فرد آدم بسیار بی‌تفاوت و آرام و به اصطلاح آدم بی‌خیالی است.

آب پاکی رو دستش ریخته: آب پاکی را روی دستش ریخته است، یعنی او را جواب کرده است، تقاضای فلانی را رد کرده است.

خرم با پیغوم آب نمی‌خوره: خر هم با پیغام آب نمی‌خورد، کنایه از اینکه فقط با حرف کسی نباید کار را انجام داد، نباید مفت و رایگان کاری را انجام داد.

دلش آب شد: کسی که بی‌صبرانه منتظر چیزی یا کسی است.

مثل آب پاک: فلانی انسان درستی است و مانند آب زلال، پاک و شفاف است.

ب) ضرب‌المثل‌های مربوط به ارزش کارها و اشیاء

برخی از مثل‌های آب در توصیف میزان ارزش یا بیهوده کاری و فاقد ارزش بودن کارها و فعالیت‌ها می‌باشد.

آبکيه: یعنی بیخود و بیهوده است و کار اصولی و درست که به جایی بند باشد،

نیست.

کارش آبکيه: کار فلانی آبکی است، یعنی کار او بیخود و بی‌فایده است، کارش اساسی و درست نیست.

آدم بیکار آب تو سر کو می‌کنه می‌کوبه: یعنی کار بسیار بیهوده‌ای انجام می‌دهد، آب در هاون کوبیدن و کار بی‌ثمر کردن.

رو آب بنده: فلان چیز یا کار روی آب بند است، یعنی به هیچ جا بند نیست، کار اساسی نیست و استحکام و بنیادی ندارد.

در کوزه بگذار آبشو بخور: در مورد کار و مدرکی که اعتبار و ارزشی ندارد گفته می‌شود.

مثل آب خوردنه: یعنی بسیار آسان است و اصولاً کار سختی نیست، بسیار راحت است.

آب از سرش گذشته: یعنی از این مرحله گذشته، اگر می‌خواست برای او اتفاقی بیفتد افتاده است، به اصطلاح خرش از پل عبور کرده است.

آبشو تویه جوب نمی‌ره: در مورد دو فردی به‌کار می‌رود که با هم تفاهم ندارند و یا نمی‌توانند با هم سازش داشته باشند.

آب از تالار نیاسر پای می‌کنه: یعنی فلانی خیلی از موضع بالا حرف می‌زند، گزافه‌گویی می‌کند.

ق تو دلش آب شده: قند توی دلش آب شده است، یعنی خیلی خوش به حالش شده و بسیار خوشحال است.

یه آب باریکه می‌یاد: کسی که حقوق مشخص و ثابت ولو اندک دارد. یعنی می‌شود به او اطمینان کرد که یک حقوق ثابت و مشخص دارد. به‌طور معمول در ارتباط با کسانی که کارمند و مشاغل مشابه که حقوق ماهیانه مشخصی دارند به‌کار می‌رود.

توش آب بسته: یعنی کارش تقلبی است، مثل شیر که در داخل آن برای اینکه زیاد نشان داده شود آب اضافه شود.

آب الک می‌کنه: کار بیهوده‌ای انجام می‌دهد.

هر چی آب توش ببندی بازم شیره: هر چه آب در آن بریزی باز هم شیر است و کسی متوجه نمی‌شود.

آبرو آب خوب نیست که بره: یعنی آبروی هر فرد بسیار مهم است و مثل آب که در جوی می‌رود و ارزش خاصی ندارد، نیست.

آب رفته به خوب باز نمی‌گردد: یعنی همچنانکه آبی از جوی آب رفت دوباره به جوی بازمی‌گردد، آبروی کسی هم که رفت دیگر برنمی‌گردد.

آب برم نداره نو که بر تو داره: آب برای من ندارد، نان که برای تو دارد، یعنی این کار اگر برای من نفع و سودی ندارد، برای شما که سودمند است و نفع می‌برید.

آب نطلییده مراده: آبی که شما تقاضا نکرده‌اید و به شما تعارف می‌کنند مراد می‌دهد و خوش‌یمن است.

هر جا آبه آبادیه: آب مایه حیات است. هر جا که آب باشد سرسبزی و زندگی وجود دارد.

آب روشنایه: صفت پاکی و زلال بودن برای آب را می‌رساند.

پ) وقایع و اتفاقات

آبا از آسیاب افتاد: یعنی کارها تمام شد، فتنه‌ها خوابید، به وضعیتی گفته می‌شود که اتفاقی افتاده و یا حوادث خاصی رخ داده است و حالا آن واقعه تمام شده است، مانند آرامش بعد از طوفان است.

آب از آب تکو نمی‌خوره: یعنی هیچ اتفاقی نمی‌افتد، وضعیت آرام است، جای نگرانی نیست.

آب که از سر گذش، چه یه وجب چه صد وجب: آب که سر رفت چه یک وجب و یا چند وجب فرقی نمی‌کند و یکسان است. وقتی مشکلاتی پیش می‌آید و به نوعی خبر یا انتظار مشکلات بعدی می‌رسد، می‌گویند ما در مشکل غرق شده‌ایم، آن مشکل هم روی همه مشکلات.

آب از سر چشمه گل آلود است: یعنی این کار از اصل و بن خطا و اشتباه است.

آب و گل آلود نک: آب را گل آلود نکن، یعنی فضا را مغشوش نکن، کار را خراب

نکن، فلانی آب رو گل آلوده کرده به معنی اینکه کار را خراب کرده و به اصطلاح کلاف گوریده است.

چشمم آب نمی خوره: یعنی اینکه بعید می‌دانم این کار انجام شود، این کار انجام نمی‌شود.

آب بندی شده: یعنی برای فعالیت آماده شده است، مرحله آزمایش را گذرانیده است.

آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم: در مواقعی به کار می‌رود که به دنبال چیزی یا فردی که در دسترس ما است می‌گردیم و جستجوی بیهوده داریم.

آب انبار که شلوغ شد کوزه زیاد می‌شکنه: وقتی موقعیت شلوغ شد و فضا مغشوش گردید، ظرف‌های زیادی شکسته می‌شود. وقتی شلوغ شد خیلی کارها خراب می‌شود. این مثل در توصیه به آرامش و نرمی در کارها می‌باشد.

حوضی که آب نداره این همه قورباغه می‌خواد چکار: یعنی کاری که مهم نیست و ارزش زیادی ندارد، اما افراد زیادی برای آن سر و دست می‌شکنند و تلاش می‌کنند.

آب خوش آگلوش پای نمی‌ره: آب خوش از گلویش پایین نمی‌رود، یعنی فلانی مشکلات خیلی زیادی دارد و روزگار خوشی ندارد.

آب تند پل رو خراب می‌کنه: یعنی تندروی کارها را خراب می‌کند.

اشتباه از آب در اومد: یعنی به گونه‌ای که پیش‌بینی کرده بودیم کار پیش نرفت.

تا گوساله گاب شه دل صاحبش آب شه: تا گوساله گاو شود دل صاحبش آب شده است، یعنی کار خیلی صبر و حوصله می‌خواهد و تا انجام شود صاحب آن کار دلش یک ذره شده است.

ت) نفرین و تهدید

برخی از مثل‌های آب حاکی از نفرین و یا تهدید افراد دیگر می‌باشد.

رو آب بیافتی: یعنی بمیری.

نو بدو آب بدو توام دنبالش بدوی: نان بدود، آب بدود، شما هم دنبال آنها بدوی.

یعنی هیچ وقت سامان پیدا نکنی و همیشه در حال دویدن و سرگردان باشی.

یَ آبِ بَرَدِ داغِ کَنَم: یعنی صبر کنی یک بلایی سر شما خواهم آورد، مترادف با ضرب‌المثل یک آشی برایت بپزم که یک وجب روغن روی آن باشد، یعنی منتظر روزی باش تا تلافی کنم.

رو آب بخندی: به کسی که خنده بیجا می‌کند، برای استهزای او گفته می‌شود.

ث) سایر ضرب‌المثل‌ها

آب یه جا بمونه می‌گنده: آب یک جا بماند می‌گندد، کنایه از اینکه کاری یا چیزی باید تغییر کند، توصیه بر تغییر وضعیت، مسافرت رفتن و حالی عوض کردن است.

فی آب می‌یاد: از فین آب می‌آید، برای تمسخر یا شوخی کردن، کسی که تقریباً حرف بی ربط و بی‌ارزشی می‌زند می‌گویند فین آب می‌آید.

آب زیر پوستش رفته: یعنی فلانی چاق شده است و حال آمده یا جان گرفته است.

زندیقم آب شد: زهرم ترکید، ترسیدم، شوکه شدم، وقتی اتفاق ترسناک یا خبر و وحشتناک و ترس‌آوری به کسی برسد و به شدت بترسد گفته می‌شود.

آب رفته: یعنی لاغر و ضعیف شده است.

فلانی حالا داره آب گور می‌خوره: یعنی مرده است.

آب غوره می‌گیره: یعنی گریه می‌کند، اینقدر آبغوره نگیر یعنی اینقدر گریه نکن.

ساعت آب گرم: یعنی عافیت طلبی برای کسی که از حمام بیرون آمده است، نوعی تعارف و تحویل گرفتن فردی است که حمام بوده است.

آب شو زیاد کن: آبش را زیاد کن، درگذشته اغلب غذای مردم منطقه کاشان گوشت لوبیا و گوشت نخود و یا گوشت عدس بادمجان و مانند اینها بوده است که با آب گوشت همراه بوده است، وقتی میهمان از راه می‌رسید برای اینکه حجم غذا زیادتر بشود می‌گفتند آبش رو زیاد کن.

خربزه آبه: خربزه مثل غذا برای سیر کردن نیست و خربزه به‌طور کامل آب است.

تو آب نمک خوابانده: یعنی در جایی دیگر تلافی کرده و انتقام خواهد گرفت.

ج) تحلیل

نگاهی به مثل‌های مربوط به آب در بین مردم کاشان بیانگر نقش مهم آب در فرهنگ مردم منطقه کاشان می‌باشد، به گونه‌ای که در ارتباط با این مفهوم در این منطقه مثل‌های بسیاری با مضامین مختلف و بعضاً متضاد به کار رفته و در زبان عامیانه مردم فراگیر شده است.

با توجه به وضعیت کویری و خشکی منطقه کاشان و نیز هوای بسیار گرم و خشک آن در تابستان و سرد و خشک در زمستان و شغل کشاورزی که در این منطقه به‌عنوان شغل اصلی و محل معیشت مردم بوده است نیاز شدید مردم به آب را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر نیاز به آب در تمامی جنبه‌های زندگی مردم محسوس بوده است، لذا در فرهنگ عامیانه و مثل‌های مردم این منطقه، به‌وفور مثل‌های مربوط به آب یافت می‌شود. در واقع نیازمندی شدید به آب در منطقه خشک و کویری و ضرورت آن به‌عنوان عامل اساسی معیشت و اشتغال، از زمینه‌های اساسی و فور مثل‌های مربوط به آب می‌باشد. همچنین با مرور و مقایسه کمیت و کیفیت مثل‌ها و معانی و مضامین آنها در فرهنگ عامه مردم درمی‌یابیم که بخش عمده ضرب‌المثل‌های آب در کاشان حول محور چهار موضوع توصیف ویژگی‌های شخصیتی افراد، ارزش کارها و اشیاء، توصیف وقایع و نفرین‌ها و تهدیدها می‌باشد. هر چند بخش معدودی از ضرب‌المثل‌های آب در موارد متفاوت دیگری به کار رفته است.

مطالعه مثل‌های مربوط به توصیف ویژگی‌های شخصیتی افراد، بیانگر این امر است که این مثل‌ها، به جز در موارد استثنایی، در توصیف ویژگی‌های منفی در ساختار شخصیت و عملکرد افراد به کار رفته است، همچنانکه مضامین آنها نشان دهنده مخفی کاری، دو رویی، فرصت طلبی، زرنگی منفی، خست، ریاکاری و نفاق، دست و پا چلفتی و تنبل بودن و برای دیگران کاری انجام ندادن و بی‌تفاوتی است و در موارد بسیار معدودی به ویژگی پاکی و زلال بودن اشاره شده است. علاوه بر آن، مرور ضرب‌المثل‌های آب مربوط به ارزش کارها و امور نشان می‌دهد اغلب ضرب‌المثل‌های آب در فرهنگ عمومی، به کارهای کم ارزش یا بی‌ارزش، بیهوده و بی‌فایده اشاره دارد و تنها بخش اندکی از این ضرب‌المثل‌ها به روشنی و ارزشمند بودن اشاره دارند.

همچنین ضرب‌المثل‌های دیگر مربوط به آب که توصیف وقایع یا نفرین‌های عامیانه می‌باشند حاکی از نوعی سکون، گل آلود کردن و برخی نفرین‌ها و تهدیدها می‌باشند. منطقه کاشان دارای فرهنگی مذهبی و شهری فرهنگی و ادبی و از نظر طبیعی منطقه‌ای خشک و کویری است. از نظر دینی، آب پدیده‌ای بسیار با ارزش تلقی گردیده و خداوند در قرآن منشأ تمام حیات را آب معرفی نموده و «و جعلنا من الماء کل شیء حی» نازل فرموده است. علاوه بر آن، در فرهنگ شیعی آب مهریه حضرت فاطمه زهرا (س) تلقی گردیده و از اوصاف امام اول شیعیان امام علی (ع) ساقی کوثر است، لذا در فرهنگ قرآنی و دینی به آب به عنوان پدیده‌ای مقدس نگریسته شده است. علاوه بر آن، از جنبه طبیعی منطقه کاشان از مناطق کویری و خشک ایران محسوب می‌شود. به عبارت دیگر علاوه بر اینکه کشور ایران از مناطق خشک ایران به شمار می‌رود و متوسط بارندگی آن کمتر از یک سوم متوسط بارندگی کره زمین است، این مقدار بارندگی نیز به‌طور یکنواخت توزیع نشده و منطقه کاشان از مناطق خشک کشور به‌شمار می‌آید. لذا، به‌طور طبیعی باید در فرهنگ عامیانه و مثل‌های مردم منطقه، آب به‌عنوان یک پدیده بسیار مهم و با ارزش تلقی گردد. در کنار فرهنگ دینی و وضعیت طبیعی، در ادبیات کاشان، ادیبان و شعرای آن دارای مضامین و اشعار مختلف از جمله «آب را گل نکنیم» (سپهری، ۱۳۶۹: ۳۴۵) و مانند آن بر ادبیات مردم این شهر پرتو افکنده است. با این وجود، علیرغم شرایط فوق، آب در اغلب مثل‌های مردم کاشان نه تنها از مفهوم و جایگاه والایی برخوردار نیست بلکه نوع نگاه مردم به آن حاکی از ارزش پایین نسبت به این پدیده است. یعنی بر اساس مثل‌های مربوط به آب می‌توان دریافت مردم در شرایط اقلیمی خشک منطقه در عین اینکه به آب بسیار محتاجند اما نسبت به آن بی‌توجه یا کم‌توجه‌اند. این نوع نگرش به‌نوعی در شیوه استفاده و میزان مصرف اسراف‌گونه این ماده حیاتی در زندگی روزمره مردم نیز مشاهده می‌شود.

نتیجه‌گیری

در تحلیل این تناقض در مثل‌های مردم منطقه کاشان که مردم در عین اینکه شدیداً محتاج آب هستند لیکن نسبت به آن کم‌توجه یا بی‌توجه بوده و قدر آب را نمی‌دانند،

تحلیل‌های متفاوتی ارائه می‌گردد.

برخی از مردم معتقدند مردم منطقه قدر آب را می‌دانند زیرا زندگی آنها در وضعیت آب و هوایی گرم و خشک، به شدت وابسته به آب است. این مفهوم که «ما مردم کویریم و کویر یعنی آتش و درمان آتش فقط با آب است، ما برای اینکه بتوانیم در بین این همه گرما زندگی کنیم باید هر طوری شده آب به دست آوریم. اما به مصرف زیاد آب عادت کرده‌ایم، چرا که برای بهداشت، آبیاری درختان و خنک نگهداشتن و کاهش حرارت هوای منازل و کوچه‌ها نیازمند آب هستیم» بیانگر اهمیت نقش آب در زندگی مردم منطقه است. گروهی از مردم معتقدند چون آب همه جا هست و بهای کمی دارد مردم عمدتاً قدر آب را نمی‌دانند و ارزش آن را درک نمی‌کنند یا به نوعی کفران نعمت می‌کنند. در واقع هر چیزی که کم است از ارزش زیادتری نزد مردم برخوردار است و برعکس، چیزی که زیاد است اهمیت زیادی برای آن قایل نیستند.

دیدگاه دیگر در تحلیل این مسئله به عوامل اقلیمی و آب و هوایی با نگرش تاریخی پرداخته‌اند. از نظر این گروه، منطقه کاشان در گذشته از مناطق بسیار پرآب و آباد بوده و به سبب وفور بسیار آب، آب از نظر مردم به‌عنوان مسئله و مشکل خاصی تلقی نگردیده و لذا در فرهنگ عمومی و مثل‌های مردم به‌عنوان پدیده‌ای عادی یا کم ارزش نگریسته شده است. در این نگرش، خصوصیات آب و خاک و مقتضیات اقلیمی منطقه کاشان به‌واسطه‌ی مجاورت با دریای مرکزی قدیم ایران و چشمه‌های متعدد سلیمانیه، قمصر و روستاهای مجاور و قنات‌های پرآب بسیار مساعد بوده است، اما سپس بر اثر پایین رفتن آب دریای مرکزی و خشک شدن آن از یک سو، چشمه‌سارها و قنات‌های پر آب این جلگه‌ی معمور و مسکون رفته رفته کم شده و به‌اصطلاح آب پایین نشسته است، از سویی دیگر «بادهای موسمی و طوفان‌های کویری به تدریج کشتزارهای سبز و خرم و آبادی‌های به هم پیوسته را یکی بعد از دیگری بایر و در زیر توده‌های ریگ روان مدفون ساخته است». (هاشمی تبار بیدگلی، ۱۳۷۵: ۴) برخی از صاحب‌نظران از نظر جغرافیای طبیعی و انسانی معتقدند به‌علت عوامل اقلیمی و در اثر بهره‌برداری‌های بی‌رویه و ایجاد دوره‌های خشک‌تر از نظر اقلیمی سطح ایستایی آب‌های زیرزمینی دشت کاشان به شدت افت کرده است به نحوی که در یک قرن گذشته در نواحی مختلف

منطقه کاشان از جمله بادرود و آران و بیدگل در چند متر اولیه به آب می‌رسیدند، در حالی که هم اکنون برای رسیدن به سفره‌های آب زیرزمینی، حفر چاه‌های عمیق در برخی از مناطق بیش از ۲۰۰ متر رسیده است. (مصاحبه با علی اکبر شائمی عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور آران و بیدگل).

لذا ارزش دیروز آب با امروز قابل مقایسه نیست و با توجه به جمعیت کمتر زمان‌های قدیم و حرکت آبی که از کوهساران کرکس (رودخانه‌های قهرود و قمصر) از طریق کانال‌های زیرزمینی، آب در داخل خانه‌ها به وفور در جریان بوده است. لذا در گذشته، جمعیت کم و میزان بهره‌داری آب کم بوده، در حالی که سطح آب بالا بوده است و همچنین شرایط اقلیمی نیز با شرایط اقلیمی امروز متفاوت بوده است.

از این منظر، امروزه یکی از عوامل اصلی توسعه مناطق بیابانی عملکرد غلط انسان و بهره‌برداری‌های بی‌رویه از منابع طبیعی به‌ویژه منابع آبی بوده است، به نحوی که می‌توان گفت آبی که هزاران سال از طریق بارش‌های جوی در زیرزمین ذخیره گردیده است با به‌کارگیری موتورهای پمپاژ آب در طی نیم قرن تخلیه گردیده است. با ادامه روند کنونی پیش‌بینی می‌شود که در چند دهه آینده مصرف بسیاری از چاه‌های کنونی آب از حیث ارتفاع خارج شود، زیرا که با افت سطح سفره‌های آب زیرزمینی آب شور که در قسمت‌های پایین سفره‌ها تجمع یافته است و فشار آن از سوی کویر می‌باشد به داخل سفره‌های آب شیرین نفوذ کرده و کیفیت آب به سمت شور شدن سوق پیدا کند.

علاوه بر موارد فوق در تحلیل عدم ارزش‌مداری آب در مثل‌های عامیانه مردم می‌توان گفت از آنجا که آب پدیده‌ای است که دسترسی سریع و به نسبت آسان بر آن همیشه وجود دارد، مردم به آن به‌عنوان پدیده‌ای بسیار عادی نگریسته‌اند و ضرورتاً این امر به‌عنوان ناقض ارزش آب در بین مردم تلقی نمی‌گردد. هر چند این دیدگاه می‌تواند از اهمیت برخوردار باشد، لیکن با نگاه به الگوهای مصرف و شیوه بهره‌برداری از آب در زندگی روزمره که به نوعی، مصرف اسراف‌گونه از آب است، بیانگر این امر است که مردم عموماً قدر و ارزش آب را ندانسته یا نسبت به اهمیت آن در زندگی بی‌توجه‌اند.

با توجه به نقش حیاتی آب به‌عنوان منبع اساسی انرژی و اهمیت آن در زندگی،

تبیین الگوهای مصرف صحیح با بهره‌گیری از عناصر فرهنگی و به‌ویژه نگرش‌های مذهبی مردم از وظایف اساسی رسانه‌های گروهی به‌ویژه رسانه ملی یعنی صدا و سیما جمهوری اسلامی می‌باشد.

در این ارتباط تدوین برنامه‌هایی با هدف آگاهی بخشی از نقش و اهمیت آب و تبیین مسئولیت‌پذیری شهروندان در حفظ منابع ملی، تبلیغ فرهنگ دینی در ارتباط با تقدس پدیده آب با توجه به آیات متعدد قرآنی در اهمیت آب و پرهیز از اسراف ضروری است. همچنین بهره‌گیری از فرهنگ شیعی مردم ایران که اعتقاد دارند آب مهریه حضرت فاطمه زهرا (س) است و امام علی (ع) نیز به‌عنوان ساقی کوثر می‌باشد در این زمینه از اثر بخشی خاصی برخوردار است.

علاوه بر آن، بهره‌گیری از شعر و هنر برآمده از فرهنگ مردم در حرمت آب همچون «آب را گل نکنیم» از شیوه‌های اثر بخش در این زمینه محسوب می‌شود.

«آب را گل نکنیم؛

در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب،

یا که در بیشه‌ی دور، سیره‌ای پر می‌شوید،

یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد

آب را گل نکنیم؛

شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری، تا فرو شوید اندوه دلی

دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب

چه گوارا این آب، چه زلال این رود

مردم بالا دست، چه صفایی دارند!

چشمه‌هاشان جوشان، گاوهاشان شیرافشان باد!

مردمان سر رود، آب را می‌فهمند، گل نکردندش،

ما نیز، آب را گل نکنیم»

سهراب سپهری

فهرست منابع

- ۱- ابن حوقل (بی تا)، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه شعار، بی جا.
- ۲- خواجه نظام الملک طوسی، سیاست نامه.
- ۳- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- سپهری، سهراب (۱۳۶۹) هشت کتاب، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری، چاپ نهم.
- ۵- شاردن (۱۳۷۵) سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: انتشارات توس.
- ۶- شاردن، (۱۳۳۶) سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۷- گیرشمن، رمان (۱۳۴۹)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۸- گیرشمن، رمان (۱۳۷۱) هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- نراقی، حسن (۱۳۶۹) تاریخ اجتماعی کاشان، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ۱۰- نیازی، محسن (۱۳۸۱) تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان در سال ۱۳۸۰، پایان نامه دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۱۱- هاشمی تبار بیدگلی، سیدحسین (۱۳۷۵) تاریخ بیدگل، آران و بیدگل: انتشارات ارجمند.
- ۱۲- یاقوت حموی، معجم البدان.

منبع لاتین: